

ساختار معنوی الحياة



حسن پویا

مقدمه

در عرصه ی تألیف و تدوین چه بسا کتاب هایی که به زینت چاپ آراسته شده ، و گرچه نام دائرة المعارف بر آنها نهاده نشده است ، لکن مجموعه ای که در آن گرد آمده است حکایت از دائرة المعارف بزرگ می نماید که از این میان می توان به کتاب بی مانند بحار الانوار مرحوم علامه ی مجلسی (ره) و جامع احادیث شیعه ، که توسط فقیه بزرگوار حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره) پایه ریزی شد و امثال آن اشاره کرد .

فراهم آمدن این مجموعه ها از مبانی اندیشه ای استواری برخوردار است که پرداختن به آنها ، به راز گشایی این گونه تألیف ها کمک خواهد کرد و گاه ارجح و قیمت آنها را می نمایاند . انگیزه های بزرگی که بزرگانی همچون مرحوم مجلسی را به این گونه کارهای سترگ وامی دارد بسیار روشنی بخش و سرمشق آفرین است که عالمان بزرگواری از همه ی هیاهوها و سلام و صلوات ها در می گذرند و در گوشه ای می نشینند و به عشق معرفی معارف آفتابگون اهل بیت ، مرارت ها می کشند تا اثری سترگ و ماندگار را از خود بر جای نهند . به یقین باور آنان بر شالوده هایی استوار است که اینچنین آنان را واداشته که ارزشمندترین ایام عمر خود را به شکوهمندترین آثار اختصاص دهند گرچه در زمان خودشان شاید چندان توجهی که اینک به آن آثار می شود ، نشده است ، ولی اخلاص فوق العاده ی آنان این گونه آثار را ماندگارترین و ثمر بخش ترین آثار قرار داده است .

کتاب گران سنگ «الحیة» از مؤلفانی گرانقدر که در رأس آنان استاد علامه محمدرضا حکیمی قرار دارد از این گونه آثار است که بر محکم ترین شالوده ها و مبانی استوار شده



است، که از غیر استاد حکیمی و دو برادر عزیزشان که گم‌نامی و تنهایی را بر خود هموار ساختند و سالها رنج تألیف این دائرة المعارف شیعی سترگ را به جان خریدند، بر نمی‌آید. گرچه درباره‌ی این کتاب که هنوز در گمنامی و گاه مهجوریت بسر می‌برد صفحات فراوانی به نگارش درآمده و مقالات و کتابهایی نوشته شده است لکن سوگمندانه باید گفت هنوز آنچنان که شایسته و بایسته است به آن پرداخته نشده و مبانی ساختاری کتاب و مؤلفان آن بازگو نشده است.

راهی به سوی معرفت الله

الحیاة، کتابی است که -بحق و جدت- مؤلفان آن بیش از توان و طاقت عادی بشری، کوشیده‌اند تا با جست و جوی آیات و احادیث و دریافت موضوعی و مجموعی آنها، مسائل بشری و موضوعات حیات‌آفرین و آگاهی‌بخش آن را مطرح سازند. چنان که در مقدمه‌ی جلد اول کتاب آورده‌اند:

(الحیاة)، دائرة المعارفی است، اسلامی، علمی، و موضوعی که راه و رسم زندگی فردی و اجتماعی آزاد و پیشرو را ترسیم می‌کند، و انسان‌های سراسر جهان را به پی‌ریزی یک حاکمیت انسانی صالح فرامی‌خواند.^۱

آنان در این دائرة المعارف، به راستی باب معرفت الله را گام به گام به روی خوانندگان

● (الحیاة)، دائرة المعارفی است،

اسلامی، علمی، و موضوعی که
راه و رسم زندگی فردی و
اجتماعی آزاد و پیشرو را ترسیم
می‌کند، و انسان‌های سراسر
جهان را به پی‌ریزی یک حاکمیت
انسانی صالح فرا می‌خواند.

گشوده‌اند و به مسلمانان دردمند و آگاه آموختند که راه پیمودن شناخت الهی و شناساندن آن به جوامع و توده‌ها این است و نه جز این. در این باره استاد حکیمی در گفت و گویی، با اشاره به کتاب ارزشمند و بیادماندنی الغدیر و اشاره به هندسه‌ی عجیب و فخامتی که

این کتاب دارد می فرمایند :

در این کتاب نظم و نسق خاصی در تمامی شش جلد رعایت شده است ، تاکنون دوازده باب از الحیة چاپ شده ، که باب اول معرفت است ، زیرا اول چیزی که یک انسان فرهیخته ی فرهنگی نیاز به تحصیل آن دارد معرفت است ، البته معرفت به معنای عامش . در باب المعرفة پنجاه فصل اصلی و سی فصل فرعی داریم که اگر کسی در این هشتاد فصل در سیر معرفت درست حرکت کند ، به معرفت الله می رسد . یعنی عوامل و دواعی خارجی و مضلات خارجی دخالت نداشته باشد ، به طور طبیعی به معرفت الله می رسد .

باب دوم ، باب الایمان است که اگر سیر معرفت را کسی درست بپیماید ، ثمره ی آن ایمان است که نقطه ی اصلی اتکاء و اصل وجود است ؛ و اگر ایمان ، صحیح و اصولی و مبنایی باشد ، عمل لازمه ی قطعی آن است که در برخی روایات دارد : الایمان و العمل اخوان توأمان^۲ ، بنابراین باب سوم را باب العمل قرار دادیم و در انتهای باب سوم جمع بندی ارائه کردیم و باب چهارم را با عنوان «میزات الایدئولوژیة الالهیة» ، (امتیازهای جهان بینی الهی) که نتیجه ی شناخت درست ، معرفت الله است . و بعد ایمان صحیح و بعد اعمال و احکام دین و در نتیجه ، این انسان ، صاحب کادر شناختی و عملی درستی می شود که او را وادار به انجام تکالیف فردی و اجتماعی ، از جمله قیام در برابر ظلم می کند . این نکته نشان دهنده ی اینست که دین یک ایدئولوژی است زیرا مبتنی بر شناخت است و شناخت ، انسان را ساکت و آرام نمی گذارد ، بلکه وادار می کند که دنبال تشخیص وظیفه برود .^۳

بدین ترتیب جلد اول الحیة به گونه ای سامان یافته است ، که کاملاً با مبانی اعتقادی مؤلفان آن همراه است و با وسواس در خور تقدیر تدوین یافته است ، تا آنجا که با مطالعه ی آن شخص به استواری دین و هماهنگی همه جانبه ی آن می رسد . این سیر همچنان ادامه دارد و در جلد های بعدی نیز به فراموشی سپرده نشده ، بلکه با شالوده ای استوار و ذهنی سرشار از اعتماد و اعتقاد تداوم یافته است .

از این رو جلد دوم با نبوت آغاز شده ، و استاد در همان گفت و گو می فرمایند : این است که باب پنجم را باب نبوت انبیا و اصول کلی رسالت پیامبران (الاصول العامه لرسالات الانبیاء) قرار داده ایم و خلاصه و نتیجه ی همه ی انبیا و زحماتشان و داستان هایشان هم پیامبر خاتم حضرت محمد ﷺ و کتاب آن حضرت ، قرآن مجید است .

از این رو باب ششم، «باب القرآن» نام گرفته است. و از آن جا که قرآن بدون معلمی که آن را یاد بدهد و برای عمل کردن آن، پشتوانه باشد، کارساز نیست، باب هفتم را باب «الرواد الصادقون»، «رهبران راستین» قرار دادیم و در این باب به برخی ویژگی های رهبران راستین پرداختیم تا رهبران غیر راستین جدا شوند. زیرا در محدوده ی دین هر کس ذره ای ادعا داشته باشد باید ده برابر آن خودش عمل کند. و امکان ندارد کسی خودش اهل عمل نباشد و مردم را دعوت به عمل کند.

استاد حکیمی در پایان باب هفتم نگاهی کلی به این باب دارند و می فرمایند:
در این باب، به بیان دسته ای از ویژگی های فرمانروا در نظام دینی پرداختیم. بیان شد که آنان دارای چه ممیزات و خصوصیات بوده اند، و چگونه می باید زندگی کنند و به کار برخیزند تا پیشوایان راستین باشند.^۴

سپس سه ویژگی مهم را بر می شمارند و توضیح می دهند:

۱. کوشش در راه انسان و سعادت او

۲. زندگی ساده

۳. حفظ حقوق مردم و پایداری برای تثبیت و نگاهداری آنها.^۵

و در خاتمه می فرمایند:

این شماری از ممیزات آن بزرگان و پشتازان بود، که شایسته است هر یک از رهبران

جوامع بشری به این گونه صفات متصف باشد.^۶

در ادامه ی راه انبیا و رهبران راستین، باب هشتم را به عالمان اختصاص داده اند زیرا بنا بر اعتقاد شیعه نمی توان در عصر غیبت حضرت حجت، مردم را رها کرد و گفت نیازی به عمل به دین نیست و یا برای عمل به آن ضرورت ندارد که رهبر معصوم بیاید، زیرا این نگرش همچون شهر بی قانونی است که از در و دیوار آن نکبت و ننگ خواهد بارید. از این رو باید سراغ عالمان راستین دین رفت که در زمان ظهور هم، ائمه، مردم را به آنها ارجاع می دادند که آنها مسائل و مشکلات مردم را با اجتهاد صحیح حل کنند.

استاد حکیمی در این باره می فرمایند:

ما در این سیر به باب هشتم رسیدیم که «باب العلماء» است. در این باب طی فصولی به خصائص عالمان صالح و عالمان فاسد پرداختیم و با بیان خصلت های این دو گروه، عالمان صالح را از فاسد جدا کرده ایم و از بیان قرآن و روایات عالمان نیک را به مردم

شناسانده ایم. و به کلام بلند امام صادق علیه السلام که فرمود: اذارایتهم العالم محباً لدنياه، فأتهموه علی دینکم^۷ (اگر عالم را دوستار دنیا دیدید، او را در کار دین خود متهم کنید.) عمل کردیم. زیرا تمام حوزه‌ی دین با وجود چنین عالمی در خطر است.

استاد دریاره‌ی باب بعدی که باب الولاية و الحکومة است و در سیر معرفت خداوند و رساندن مردم به آن بسیار مؤثر است می‌فرمایند:

از آنجا که جامعه‌ی دینی بدون قدرت نمی‌تواند سرپا باشد، چون مردم باید بر اساس دین تربیت شوند و تربیت قدرت می‌خواهد، زیرا هر فکری را - حق یا باطل - اگر بخواهید در جامعه نفوذ بدهید احتیاج به قدرت دارد، از این رو ما باب نهم را به حکومت دینی اختصاص دادیم و در باب دهم وظایف و خواص حکومت دینی را بیان کرده‌ایم با عنوان: الحاکم الاسلامی، وظائفه من واجباته و مسؤولياته.

ایشان معتقدند سیاست و تربیت از هم جدا نیست، زیرا شما فرد صالح را در جامعه‌ی صالح می‌توانید بسازید و جامعه‌ی صالح هم از فرد و افراد صالح ساخته می‌شود. و برای بردن جامعه به سوی صلاح، باید قدرت داشته باشیم. و رابطه‌ی دین و سیاست را هم بدین گونه قبول دارند که دین برای نفوذش باید متکی به قدرت باشد چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ایجاد تحویل در جامعه نیازمند قدرت بود و بدین سبب از مکه هجرت کرد تا این تحویل بزرگ را با قدرتی که در مدینه بدست می‌آورد به انجام برساند. لیکن باید بخوبی توجه داشت که قدرت دینی هرگز هدف نیست، بلکه وسیله است برای تثبیت ارزش‌های متعالی و حراست کرامت انسانی.

سیر کتاب الحیة، - این کتاب زندگی و زندگی آفرین - بعد از اتمام جلد دوم که از معرفت الله آغاز گشت و به تشکیل حکومت الهی به پایان رسید، در راه معرفت الله و رساندن توده‌ها به الله گام‌های دیگری باقی مانده که مؤلفان الحیة به بخشی از آنها که بخش عمده‌ای است در چهار جلد بعدی می‌پردازند، و چنانکه خود فرموده‌اند با این شش جلد، بخش اول این مجموعه را به پایان می‌برند و امید دارند که شش / هشت جلد دوم را که بخش دوم الحیة است با تبیین انواع تربیت اسلامی حیات بخشند. ان شاء الله.

دو شعار انبیا

سیر کتاب «الحیة» از معرفت الله و شناخت رسولان، عالمان و حاکمان و معرفی



حکومت اسلامی و تشکیل حکومتی بر پایه‌ی حق و عدل، وارد مرحله‌ای دیگر می‌شود که از مبانی عمده‌ی مؤلفان الحیة و کتاب الحیة است.

استاد در این زمینه می‌فرماید:

ما از باب معرفت آغاز کردیم و تا آخر باب دهم تماماً «أن أعبدوا الله» گفتیم، یعنی یکی از دو شعار اصلی انبیا. شعار اصلی دیگر انبیا «أوفوا الكيل والميزان» (عدالت و قسط) است که در دو باب یازده و دوازده ترسیم می‌شود.

در ابتدای باب یازدهم نوشتیم: المدخل إلى دراسة الاقتصاد الإسلامي، یعنی متواضعانه و به حق می‌گوییم هنوز پشت درب هستیم. در باب یازدهم خطوط کلی، بسترهای کلی و زمینه‌های کلی را که بیشتر جنبه‌ی مقدماتی دارد آوردیم.

در پایان باب دوازدهم که اصول کلی را بیان کرده‌ایم، گفته‌ایم حالا که نان و گوشت درست شد چگونه استفاده کنیم: کالحووان یا کالانسان، که باب تربیت در جلد هفتم آغاز می‌شود.

بدینسان مؤلفان الحیة شش جلد الحیة را به پایان برده‌اند و استاد حکیمی در پایان جلد ششم در نگاهی به سراسر فصل، پنجاه تنبیه آگاهی‌بخش و تنبّه‌آفرین آورده‌اند و در آغاز فرموده‌اند:

با این «پنجاه تنبیه»، فصل‌های صدگانه‌ی این دو باب (۱۱ و ۱۲) را به پایان می‌بریم، که بیانگر نظر اسلام بود درباره‌ی مال و مواهب و ثروتها و امکانات معیشتی و حرکت آنها در دست توده‌ها، یعنی «مبانی اقتصادی» و زمینه‌های استنباط احکام.^۸

و کتاب را با خاتمه‌ی چهار صفحه‌ای و یادآوری‌های سودمندی ختم می‌نمایند. در خاتمه با عنوان حیات قرآنی و دو رکن بزرگ، در بیان معصوم علیه السلام، «نظم» و «عدل» را به عنوان دو پایه‌ی مهم یادآور می‌شوند؛ و به حدیثی از امام باقر علیه السلام در شرح آیه‌ی ۲۴، سوره‌ی انفال، که سرلوحه‌ی کتاب الحیة است زینت می‌بخشند:

الامام الباقر علیه السلام فی شرح قوله تعالی: «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله وللرسول إذا دعاکم لما یحییکم» (انفال، ۲۴/۸): یقول: ولایة علی بن ابی طالب علیه السلام فان اتباعکم إیاه و ولایتہ، أجمع لأمرکم و أبقی للعدل فیکم.^۹

امام باقر علیه السلام در شرح این آیه که: ای مؤمنان! چون خدا و پیامبر شما را به آیینی فراخوانند که سرچشمه‌ی زندگی است بپذیرید! می‌فرماید: (این سرچشمه‌ی زندگی)، ولایت

علی بن ابی طالب علیه السلام است که اگر از او پیروی کنید و ولایت او را داشته باشید، تشکل شما قوی تر می شود، و اجرای عدالت را بیشتر در میان شما دوام می بخشد.

استاد حکیمی در ترسیم بعضی نکات اصلی و پایه ای در تألیف الحیاة، در برخی تألیفات و یا در گفت و گوهایشان اشاراتی دارند، که در این مقال به گوشه ای از آنها اشاره خواهیم کرد.

الحیاة و تألیفات دینی

در آن سالهای دور و بعد از آن و هم اکنون نیز یکی از دغدغه های استاد که گاه با خون دل خوردن همراه است، آن دسته از تألیفات مذهبی است که علاوه بر این که از محتوایی در خور و علمی برخوردار نیست، با ظاهری آراسته و وزین نیز عرضه نمی شود، تا آنجا که برخی ناشران مذهبی را با تعبیر «ناشران حرمله ای» یاد می کنند و می فرمایند تیری که اینان با این گونه نشرها به دین و مذهب وارد می کنند گاه سهمناک تر از تیر حرمله است. زیرا بسیاری از جوانان را به دین بدبین می کنند و گاه بی رغبت. از این رو ایشان بحق و راستی معتقدند که باید نشر مذهبی و ناشران دینی تحولی شگرف یابند، چنان که در برخی ناشران در سال های اخیر به ویژه پس از انقلاب اسلامی مشاهده می کنیم. زیرا آراستگی ظاهر کتاب، به روی آوری علاقه مندان به مذهب، به ویژه جوانان کمک می کند تا به خواندن کتب مذهبی روی آورند. علاوه بر آن نوع نشر کتاب و نگارش و چینش مطالب نیز بسیار در اقبال خوانندگان به مطالب دینی مؤثر است.

در این باره استاد می فرمایند: «مجموعه انسانی و مطالعات فرهنگی»
 بحث ما روی الحیاة، یک جهت آن به رضای حضرت حجت (عج) از تألیفات مذهبی بر می گردد که همیشه ما چهل / پنجاه سال از جریانات فرهنگی و زمان دور هستیم. مثلاً امروز مجله ای در قم در می آید که باید پنجاه سال پیش در می آمد. گرچه الان مجلات بسیار خوبی، هم با ظاهری خوب و هم با محتوا عرضه می شود. ما باید از زمانی که برخی روشنفکرها شروع به ترجمه ی کتاب ها و عرضه ی مناسب آنها کردند، شروع می کردیم و به نوسازی فرهنگ دینی می پرداختیم، گرچه تک روانی مانند علامه جعفری، پرفسور فلاطوری، شهید مطهری، دکتر شریعتی، جلال آل احمد و... کم و بیش چنین کردند. زیرا یکی از چیزهایی که دل نسل های جوان را می برد، کتاب خوب است، قلم خوب است، بیان خوب است، رمان خوب است.

استاد در جای دیگری بدین مناسبت که سالها با دین ستیزان و دین گریزان بوده‌اند و حرف و حدیث آنها را شنیده‌اند و خوانده‌اند و به قول خود استاد، عقده‌های روحی آنها و اشکالات دینی آنها را می‌شنیدند، می‌فرمایند:

من دیدم اگر دین بخواهد همه‌ی اینها را پوشش بدهد و به صلاح و سلامت برگرداند باید یک فکر صحیحی بکند. اکنون معراج السعادة را نمی‌شود داد دست اینها، حلیة المتقین را نمی‌شود داد، توضیح المسائل را نمی‌شود داد، حتی ترجمه‌ی تحف العقول را صاف و ساده نمی‌شود داد، زیرا در مقابل قله‌های روشنفکری ایران و قلم‌داران بزرگ ادبیات ایران قرار داریم. از آن طرف احادیث و آیات سترگ و بلندی داریم که درست عرضه نشده‌اند، تا آنجا که روزی در حال ضعف و خستگی مفرط سر چهارراهی پر ازدحام، با آقای دکتر مصطفی رحیمی روشنفکر و مترجم معروف زبان فرانسه برخورد کردم و فرصت را غنیمت شمردم، دیدم جای دیگری نمی‌توانم ایشان را به راحتی پیدا کنم، در همان شلوغی و خستگی بعد از سلام و احوالپرسی سر صحبت را باز کردم و البته با مناسبت، چند تا روایت خواندم، دیدم ایشان بلافاصله کیفیتش را زمین گذاشت و باز کرد و قلم و کاغذ درآورد و گفت: بگو اینها را من یادداشت کنم. گفتم خدایا این یکی دو حدیث، در این حال چه کاری می‌کند. اگر ما کتب حدیثی را درست تدوین و عرضه کنیم، حتی روشنفکران سطح بالا رغبت می‌کنند و می‌خوانند.

● برای این که ان شاء الله یک

تحول هندسه‌ای و ساختاری

در کتاب‌های مذهبی بوجود

آید، دست به تدوین الحیة به

شکل فعلی زدیم

در واقع استاد با آراستگی ظاهر الحیة در پی تحولی در حوزه‌ی کتاب‌های مذهبی بودند، که با نشر الحیة بتوانند این تحول را ایجاد کنند، از این رو است می‌فرمایند:

برای این که ان شاء الله یک تحول هندسه‌ای و ساختاری در کتاب‌های مذهبی بوجود آید، دست به تدوین الحیة به شکل فعلی زدیم، چون در روایت دارد که قرآن را با صوت

حسن بخوانید، و در روایتی از امام باقر علیه السلام است که روایات ما را با خط خوب بنویسید. که نشان دهنده‌ی توجه ائمه به حُسن عرضه‌ی این مطالب است. و ما با عنایت خاص الحیة را عرضه کردیم.

حفظ چارچوبه‌ی اسلام

نکته‌ی دیگری که همراه با جزئیات و جوانب بیشتری، استاد در تألیف الحیة بدان توجه کرده‌اند و آن را بیان داشته‌اند، به بعد از انقلاب و مشکلات آن برمی‌گردد، که در واقع بعد فراموش شده‌ی آن ایام است، زیرا همه‌ی دلسوزان و علاقه‌مندان به انقلاب درگیر کارهای آن دوران بودند و کسی به این اندیشه نرفته بود که یکی از عمده‌ترین مشکلات آینده‌ی این مرز و بوم، مشکلات اندیشه‌ای و مبانی فکری خواهد بود. استاد حکیمی با این توجه خاص و بینش عمیق و دورنگرانه به تألیف الحیة همت گماشتند که خود در این باره می‌فرمایند:

اما بعد از انقلاب، دیدیم که از اسلامیات انقلابی، متنی و اصلی در دست نیست و همه گرفتار سر و سامان دادن به اوضاع و احوال پیش آمده پس از انقلاب هستند. عده‌ای که اهل فضلند و ذوق، غالبشان در مشاغلند، عده‌ای هم که مخالفند. خلاصه اصل مکتب و میراث اسلامی، متولّی ندارد. و از طرفی ترسیدیم آقایان و بزرگان به دلیل دشمنی‌ها، دوستی‌ها، جنگ، مخالفان، نفوذی‌ها، سرمایه‌داران و... که دنبال فرصت هستند نتوانند آن اسلام مردمی را که «لیقوم الناس بالقسط» باشد، نشان دهند. گفتیم ما بنشینیم و با اخوان حداقل حقایق قرآنی و اوصیایی را در کتاب ثبت کنیم و بدست بدهیم، که اسلام اینست و چهارچوبه‌ی آن مستنداً در این کتابها بیان شده است. و از اسلام بما هو هو، انقلاب هم درمی‌آید و اسلام، دینی انقلابی است.

بدین سان هدف از تألیف الحیة، در مرحله‌ی اول، اندیشه‌ی عرضه‌ی یک اسلام انقلابی، مستند به اصیل‌ترین متن اسلام که قرآن و حدیث باشد (به نص حدیث ثقلین و نص آیه‌ی «فاستلوا اهل الذکر») بود.

● بدین سان هدف از تألیف الحیة، در مرحله‌ی اول، اندیشه‌ی

عرضه‌ی یک اسلام انقلابی، مستند به اصیل‌ترین متن اسلام که

قرآن و حدیث باشد بود.

انطباق با زمان

یکی دیگر از نکاتی که در تألیف الحیة مؤثر بوده است و از مبانی فکری آن به حساب می‌آید، نشر کتابی از متن دین (یعنی قرآن و حدیث) و در عین حال منطبق با زمان و قابل عرضه به انسان‌های امروزین بوده است. استاد در این زمینه می‌فرماید:

مسأله‌ی دیگری که ما توجه داشتیم، این بود که چگونه مطالب را جمع‌آوری کنیم که درخور نیازهای فکری و شناختی و تربیتی انسان معاصر باشد، انسانی که پایش به آمریکا، کانادا، فرانسه، آلمان و... باز شده و بین تهران و این کشورها در رفت و آمد است، ما در واقع خواستیم تألیفی عرضه کنیم که انطباق با زمان و نیازهای زمان داشته باشد، و انسان معاصر - و انسان آینده - را مخاطب قرار دهد.

این اندیشه نه تنها در جمع‌آوری مطالب الحیة مؤثر بوده و با مبانی فکری بلندی تدوین شده، که خاص استاد و برادران ایشان است، بلکه در تنظیم ظاهری الحیة نیز تأثیر بسیار شگرفی داشته که در برخی مقالات این فصلنامه به آنها اشارت رفته است، زیرا استاد معتقدند گویا کردن مطالب و فهم آنها باید مورد توجه باشد.

عرضه‌ی نوین

چنانکه پیش از این اشاره کردیم یکی از دلواپسی‌های استاد، نوع عرضه‌ی دین و مطالب دینی بوده است. چه بسا آیات و روایاتی که در جای خود بیان نشده و یا با برداشتی نادرست و یا چینی نامناسب عرضه گشته، و چه بسا کسانی را به دین و مذهب بدبین یا بی‌علاقه کرده است. از این رو استاد در الحیة تلاش کرده‌اند که با اندیشه و فکر فراوان - که گاه ساعت‌ها و روزها دلمشغولی استاد بوده است - به بهترین نحو بتوانند آیات و روایات را گزینش کنند و به طالبان آن عرضه نمایند:

من گاهی می‌شد که یک ماه و کم‌تر یا بیشتر، هیچ کار قلمی نمی‌کردم، دائماً قدم می‌زدم و اینها را در ذهنم واری می‌کردم که مثلاً آن باب که در آن جا آمده جایش هست یا نه؟ آن فصل چگونه است؟ زیرا یک رسالت حساس، بعد از چهارده قرن، بر دوش ماست. از یک طرف تشیع صفویه، و از طرف دیگر تجدّد جدید، و بعد مشروطیت، و حالا انقلاب اسلامی که ادعای نه شرقی و نه غربی دارد، و هر مدعی انقلابی را نفی کرده: مائو، لنین، عبدالناصر و... و بعد این همه شهید، و نگاه همه‌ی عالم به ایران که اینها

● بدینسان است که «الحیة»، با تدوینی شایسته و قابل قبول به نسل امروزین عرضه می‌شود. کتابی که با پشتوانه‌ی اندیشه‌ای سترگ همراه است، و چنین است که تدوین آن در طول بیش از بیست سال به انجام می‌رسد.

حرف حسابشان چیست؟، دینشان چیست؟ مذهب و مسلکشان چیست؟ لذا باید کلمات امام صادق و امام باقر را به گونه‌ای عرضه کرد که با ذهنیت امروز مردم و زمان سازگار باشد. البته این یکی از توفیقات الهی بود.

بدینسان است که «الحیة»، با تدوینی شایسته و قابل قبول به نسل امروزین عرضه می‌شود. کتابی که با پشتوانه‌ی اندیشه‌ای سترگ همراه است، و چنین است که تدوین آن در طول بیش از بیست سال به انجام می‌رسد.

تحول تألیفی در حوزه

نکته‌ی دیگری که مؤلفان الحیة بدان توجه داشته‌اند، تألیفات حوزه‌ی دین به ویژه حوزویان بوده است. اینان به هیچ وجه تألیفات این گونه‌ای را شایسته نشر دینی نمی‌دانند و اغلب را نه تنها مایه‌ی تبلیغ دین که باعث دین زدگی و فرار از دین و مطالب دینی بر می‌شمارند.

مؤلفان ارحمند «الحیة»، بر این باورند که اگر تحولی در تألیفات حوزه‌ی دین (بویژه آنچه به نام حوزه و حوزویان منتشر می‌شود، که از اساس دین یعنی کتاب و سنت چشمه گرفته است) وارد شود، اقبال به دین بیشتر و بیشتر خواهد شد چنان که اکنون در برخی از تألیفات حوزه‌ی دینی شاهد آن هستیم، زیرا عرضه‌ی کالای دین همچون سایر علوم اگر با زمان به پیش نرود تأثیر بایسته‌ی خود را نخواهد داشت.

از این رو استاد می‌فرمایند:

ما دیدیم یکی از کارهایی که باید در حوزه انجام بگیرد، تحول تألیفی در حوزه است. زیرا ما الآن مؤلفان و نویسندگانی داریم که ماده‌اش را دارند و اهل فضل هستند، و لکن صورت عرضه را بلد نیستند. چرا که ما با طلاب جوان سر و کار داریم و الا بزرگان که به قول یکی از طلبه‌ها به اصطلاح نطفه‌ی فکری‌شان بسته شده و دیگر امید تحولی در اندیشه



و دید آنان نیست .

بنابراین وقتی فضل و علم وجود دارد، و آشنایی با مکتب اسلام و سایر مکاتب در اهل فضل هست، حیف است که اینها درست عرضه نشود، و دست برخی از ناشران جلاد بیفتد و با بی سلیقه ای تمام عرضه شود .

بر این مبنا نشر الحیة که بن مایه ی آن کتاب و سنت است، با عرضه ی خود در پی تحولی بنیادین بوده، که اتفاقاً چنین شده است .

مؤلفان الحیة هم با «نو اندیشی» و «زمان اندیشی» همراه با پایندی به سنت، توانستند تألیفی ماندگار از قرآن و سنت با توجه به زمان عرضه کنند و همگام با پیشرفت های علمی دیگر گام به پیش نهند .

فهم عقلانی آیات و روایات

تدبّر، تفکر، تعقل، تأمل، اندیشیدن، خرد ورزیدن، تفقه، اجتهاد و... واژه هایی است که بارها در آیات و روایات ما به کار رفته، و با عنایتی خاص به آنها نگریسته شده، و پیروان مکتب را به آنها فراخوانده است، زیرا زندگی در پرتو این واژه ها و حقیقت بخشیدن به آنهاست که معنی دار و هدف مند می گردد .

انسان است و اندیشه و فکر، انسان است و عقل و خرد . تلاش در راه فهم دین و نگاه عقلانی به اساس دین یعنی کتاب و سنت، دعوتی است نبوی و علوی .

لقد أنزلنا إلیکم کتاباً فیه ذکرکم أفلا تعقلون (انبیا، ۲۱/۱۰)

کتابی بر شما فرو فرستادیم که در آن یاد کرد شما است، چرا خرد خود را بکار نمی اندازید .

کذلک ینبئ الله لکم الآیات، لعلکم تتفکرون (بقره، ۲/۲۱۹)

خدا آیات خویش را بدین سان برای شما بیان می کند، تا مگر فکر کنید .

افلا یتدبرون القرآن أم علی قلوب اقفالها (محمد، ۴۷/۲۴)

آیا در قرآن تدبّر نمی کنند یا بر دلهاشان قفل نهاده شده است؟

کتاب أنزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر اولوا الالباب (ص، ۳۸/۲۹)

کتابی فرخنده بر تو فرو فرستادیم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان از آن پند گیرند .

و فی الارض آیات للموقنین، و فی أنفسکم أفلا تبصرون (ذاریات، ۲۱-۱۵/۲۰)

در زمین نشانه هایی است برای دارندگان یقین و در جان های خودتان، چرا نمی بینید .



امام صادق نیز در دعای هنگام قرائت قرآن می فرمایند: ...

اللهم انی نشرتُ عهدک و کتابک اللهم فاجعل نظری فیہ عبادةً و قرائتی تفکراً و فکری اعتباراً... و لا تجعل قرائتی قرائةً لا تدبّر فیها بل اجعلنی اُتدبّر آیاته و احکامه، آخذاً بشرائع دینک، و لا تجعل نظری فیہ غفلةً و لا قرائتی هذمةً. ۱۰

خدایا! پیمان نامه و کتابت را گشودم. خدایا! نگرستن مرا در آن عبادت قرار ده، و خواندندم را اندیشیدن، و اندیشیدنم را مایه ی عبرت... و خواندندم را خواندنی بی تدبّر قرار مده، بلکه چنان کن که در آیات و احکام آن تدبّر کنم و دستورات دین تو را از آن به دست آورم؛ نگرستن مرا در آن توأم با غفلت و خواندندم را خواندنی تند و شتابزده مگردان.

حضرت سید الساجدین امام زین العابدین علیه السلام درباره ی قرآن می فرمایند:

آیاتُ القرآن خزائن، فکلّمَا فتحت خزائنه ینبغی لک أن تنظر ما فیها. ۱۱

آیات قرآن گنجینه های است، پس هر گاه یک گنجینه را باز می کنی، باید بنگری که در آن چه نهفته است.

امام صادق علیه السلام هم می فرمایند:

... فانظر کیف تقرأ کتاب ربک و منشور ولایتک... و تفکر فی امثاله و مواظبه. ۱۲

پس بنگر که چگونه کتاب خدا و منشور ولایت خود را می خوانی، ... در مثلها و پندهای آن بیندیش.

با این نگاه و تأمل پژوهشمندانه، استاد می فرمایند:

یکی از کارهایی که ما در الحیة کرده ایم، سنجش در آیات و روایات است، و نه صرفاً تعبد که این مضمون هر چه هست، آورده شود. کاری که البته مجتهدین ما در فقه می کنند. و کاری که در مورد عقاید همه می گویند که باید اجتهادی باشد نه تقلیدی، گرچه این امر با اجتهاد در فقه بسیار متفاوت است.

ما در آیات و روایاتی که در الحیة نقل کردیم، هم اجتهاد کردیم، هم کوشش فکری کردیم و هم کوشش عقلانی. البته حوزه های مفهومی و مرادی آیات و روایات را حفظ کردیم.

استاد حکیمی در بخش دیگری از گفت و گو درباره ی الحیة می فرمایند:

یکی دیگر از جهاتی که در الحیة رعایت شده، عقلانیت عام است که قرآن و روایات به آن دعوتمان کرده است نه عقلانیت خاص، یعنی ما با دیدگاه هیچ فلسفه ای سراغ آیات

و روایات نرفتیم حتی فلسفه‌های اقتصادی، زیرا نیازی به آنها نداشتیم، قرآن کریم در همه‌ی جهات مستکفی بالذات است.

آیات و روایات کلیدی و غیر کلیدی

از آنجا که بنیان کتاب ارزشمند الحیة بر قرآن است؛ و کتاب الهی در طول ۲۳ سال به تدریج بر قلب مبارک پیامبر اکرم ﷺ - به مناسبت‌های مختلف که از آن به شأن نزول یاد می‌کنند - نازل شده است. و در میان آیات قرآن، آیات احکام، روابط اجتماعی، اقتصادی، قصه‌های پیشینیان، دعا و نیایش و معارف عالی و بیمانند توحیدی و... وجود دارد، لکن برخی از آیات به جهات مختلف، از یک برجستگی خاصی برخوردار است، و به اصطلاح از «عُرر آیات» است که به مسائل عمده و کلیدی پرداخته است و در واقع بیان‌کننده‌ی حقیقت مکتب و نشان‌دهنده‌ی آرمان‌های اصلی مکتب و کتاب است.

استاد حکیمی از این آیات به عنوان «آیات کلیدی» یاد می‌کنند، و در الحیة توجه خاصی به این آیات شده است. زیرا حیات انسانی - اسلامی را در گرو توجه به این آیات می‌داند، نیز این آیات را گره‌گشای حل مشکلات بی‌شمار بشریت. استاد در این زمینه می‌فرمایند:

یک مسأله‌ی دیگر که در فهم قرآن مهم است، چنان که قدما به ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و... توجه داشتند و شاید هم بشود این نکته را در بین آنها هم به نحوی پیدا کرد، توجه به آیات کلیدی و پیدا کردن آنهاست. مثلاً فرض کنید آیه‌ی: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ» با آیه‌ی «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» تفاوت بسیار دارد، زیرا این آیه، امهات رسالت قرآنی و مرادات قرآنی و جهت‌گیری‌های قرآنی را می‌رساند.

مؤلفان الحیة با همین نگاه به سراغ روایات رفته‌اند و در واقع در روایات هم به بخشی که جنبه‌ی کلیدی دارد توجه ویژه نموده و آنها را گزینش کرده‌اند. روایاتی که برخی از آنها علاوه بر این که به نوعی تفسیر آیات است، و بیان‌کننده‌ی امهات مسائل اسلامی و محکمت‌تعالیم اوصیایی، و نشان‌دهنده‌ی نگاه ائمه (که رهبران راستین و تبیین‌کنندگان حیات محمدی و علوی هستند) می‌باشد.

استاد می‌فرمایند:

یکی از کارهایی که محقق قرآن و حدیث، علماً، عقلاً، شرعاً و وجداناً مکلف است

انجام دهد، ولو زحمت دارد، مطالعه می‌خواهد، استاد دیدن می‌خواهد، سؤال کردن می‌خواهد، اینست که وقتی اظهار نظری می‌کند و به مطلبی از آیات و روایات می‌رسد حداقل جمع قابل قبولی بین آیات و روایات کلیدی و غیر کلیدی بکند و در بیان احکام دین، اهداف دین را هم در نظر بگیرد.

به هر حال یکی از راه‌های وصول به حقایق و معارف قرآن و اهل بیت که ما در الحیة سعی کردیم این راه را طی کنیم، به دست آوردن آیات و روایات کلیدی است. تکلیف دینی و وجدان علمی هم اقتضا می‌کند که ما مرادات اصلی را به دست بیاوریم.

توجه به نکته‌ها

با تأملی در کتاب الحیة و شیوه‌ی تدوین و تنظیم آن، به روشنی درمی‌یابیم که نکات بسیاری از نظر ظاهری و محتوایی بر این کتاب حاکم است که با دقت و تأمل می‌توان به آنها رسید. آنچه به تنظیم و تنسيق ظاهری الحیة مربوط می‌شود در برخی مقالات دیگر به آنها پرداخته شده و به خوبی و درستی تبیین گشته است، و لکن از آنجا که از نظر محتوایی نیز الحیة از منبعی جوشان و اندیشه‌ای خروشان سرچشمه گرفته، نکات بسیاری مورد توجه بوده، از جمله توجه به نقطه‌های اصلی و نکاتی که در آیات و روایات بر آنها تأکید شده، و کشف این نکته‌ها، و تبیین آنها و نشان دادن جایگاه آنها، که این نیز یکی دیگر از هنرمندی‌های مؤلفان الحیة است.

این نکات به قدری با اهمیت و مهم است که جای دارد اندیشمندانی، با تأمل در خور از ابتدا تا انتهای الحیة را به کاوش بنشینند و تک تک آنها را به صورت برجسته در مجموعه‌ای فراهم آورند و به طالبان آن عرضه نمایند.

استاد حکیمی در توضیح این نکته می‌فرماید:

یکی از مسائلی که ما بدان توجه جدی داشتیم، عدم غفلت از انواع نکته‌های تربیتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فردی و... بوده است که در آیات و روایات هم فراوان است، و

● با تأملی در کتاب الحیة و شیوه‌ی تدوین و تنظیم آن، به روشنی درمی‌یابیم که نکات بسیاری از نظر ظاهری و محتوایی بر این کتاب حاکم است که با دقت و تأمل می‌توان به آنها رسید.

من بارها عرض کردم که طلبه‌ها باید ادبیاتشان خوب باشد تا ظرایف و القائنات جنبی زبان عربی را بفهمند. مثلاً در داستان گردنبند و عاریه گرفتن آن از بیت المال توسط جناب ام کلثوم که همه بازگو می‌کنند، و این که ابن ابی رافع خودش از حقوق خود، ضمانت کرده که گم نشود، چون خود جناب ام کلثوم چیزی نداشتند که به ضمانت بسپارند؛ ولی پشت سر آن مطلبی دارد که مورد غفلت واقع شده و آن گفت و گو و درگیری است که بین علی بن ابیطالب علیه السلام و ابن ابی رافع شده است، که ام کلثوم آمدند جلو که به گونه‌ای آن را ترمیم کنند، که من درخواست کردم و چنین و چنان. حضرت برمی‌گردند و خطاب به دخترشان می‌فرمایند: «أکل نساء المهاجرین، تتزین فی هذا العید بمثل هذا». ۱۳ (آیا همه‌ی زنان مهاجرین در چنین عیدی با این گونه گردنبندی خود را می‌آریند.)

این اصلی ابدی در تاریخ مدیریت انسانی و در تاریخ حاکمیت قرآنی است، و تحت عنوان مساوات مانند خورشید می‌درخشد. حضرت، افق دید را می‌برند تا ابدیت و همه‌ی انسانها، که آیا فلان دختر در گوشه‌ی کوفه این را دارد که تو به نام دختر علی حق داشته باشی، داشته باشی.

با این نگرش به الحیاة، می‌توان دهها نکته‌ی تربیتی، سیاسی، اجتماعی، فردی، اقتصادی، جامعه‌سازی، سلوکی، تألهی و... را نشان داد و آنها را با زیباترین نقش و نگارها به صورت تابلوهای ارزشمند آماده کرد و بر ستیغ قلّه‌های فرهنگ و دانش بشریت نصب نمود، تا همه‌ی مدافعان انسانیت و مدعیان رستگاری بدانند که امامان آل محمد و بنیادهای مکتب علوی تا چه افق‌هایی را دیده‌اند و برای سرتاسر بشریت سخن گفته‌اند. از این نمونه است:

۱. النبی صلی الله علیه و آله: ان الله جعل ارزاق الفقراء فی اموال الأغنیاء فان جاعوا و عروا فبذنب الأغنیاء. ۱۴

خداوند روزی بینوایان و کمبودداران را در اموال و دارایی ثروتمندان قرار داده است، پس اگر اینان گرسنه و برهنه مانند در اثر گناه ثروتمندان است.

۲. الامام موسی بن جعفر علیه السلام: لو عدل فی الناس لاستغنوا. ۱۵

اگر عدالت اجتماعی برقرار شده بود، همه‌ی مردم بی‌نیاز شده بودند.

۳. الامام علی علیه السلام: العدل حیاة الاحکام. ۱۶

عدل مایه‌ی زنده ماندن احکام است.

● اندیشه‌ی دیگری که مؤلفان

الحیة را به تدوین کتابی

برگرفته از آیات و روایات

درباره‌ی زندگی «انسانی»-

الهی، کشیده است، نگاه آنان به

کلمات اهل بیت است.

انسانیات اهل بیت

اندیشه‌ی دیگری که مؤلفان الحیة را به تدوین کتابی برگرفته از آیات و روایات درباره‌ی زندگی «انسانی- الهی» کشیده است، نگاه آنان به کلمات اهل بیت است. زیرا در سال‌های دور، استاد حکیمی در این اندیشه رفته بودند که «دایرة المعارف انسان» را از محتوای دین تألیف کنند و با این دید هزاران کتاب را به مطالعه نشستند، که در نتیجه با نگاهی اینچنینی وارد دریای ناپیدا کرانه‌ی آیات و روایات شدند و مصمم گشتند که از این منظر به آیات و روایات نگاه کنند، لذا در الحیة نیز مقدار زیادی این دیدگاه را نشان داده‌اند که اهل بیت چگونه به انسان و انسانیات می‌نگرند، و اساساً انسان از چه جایگاهی در این مکتب برخوردار است، مکتبی که داعیه‌ی انسان‌سازی و قلّه‌آفرینی در جامعه‌پردازی دارد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از این رو استاد می‌فرمایند:

من در جوانی در مشهد که بودم به فکر افتادم که یک دایرة المعارف انسان بنویسم. زیرا خیلی از روشنفکران غیر مذهبی یا بی‌تفاوت، دم از انسان و انسانیت می‌زدند. من دیدم هیچ‌کس از خود دین بیشتر دم از انسان و انسانیت نزده است، از این رو به این فکر افتادم که ظاهراً کاری روشنفکرانه است و قصد داشتم از همه‌ی صاحب‌نظران عالم هم نقل کنم (از قدیم، جدید، غرب و شرق)، ولی باطناً با نقل اقوال آنها، اهمیت و برجستگی غیر قابل‌قیاس سخنان اهل بیت را بنمایانم. سخنانی که به این جامعیت هیچ‌کدام از متفکران نگفتند و عقلشان به آنها نرسیده است. مسائل آن به چهار هزار مسأله رسید و تمام کتاب‌های کتابخانه مدرسه‌ی نواب و ۶۰۰۰ از کتاب‌های کتابخانه‌ی فرهنگ مشهد



را مطالعه یا مرور کردم، و بسیاری از کتابخانه‌های خصوصی، و مقداری از کتاب‌های کتابخانه مبارکه‌ی آستانه‌ی حضرت امام ابو الحسن الرضا علیه السلام.

ولی بعد به تهران آمدم و آن طرح به هم ریخت، لکن مقدار زیادی از آنها را در الحیاة اعمال کردم و نشان دادم که اهل بیت درباره‌ی انسان سخنانی دارند که در تاریخ متفکران و ملل و مذاهب عالم حتی رنسانس، حتی امانیست‌های غرب، ابدأً نظیر ندارد. مثلاً امام علی علیه السلام می‌فرمایند: قاضی حق ندارد در دادگاه بلند حرف بزند. یا امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: فقیر را در بار اول که مراجعه کرد غنی کنید که دوباره محتاج به سؤال نشود، زیرا جامعه‌ی اسلامی باید دارای بنیان مرصوص باشد و شخصیت افراد نیز حفظ شود: و لله العزة و لرسوله و للمؤمنین. انسان آیه‌ی خداست. انسان‌ها همه مثل تابلوی کمال‌الملک هستند برای کمال‌الملک. مثل غزل‌های دیوان حافظند برای حافظ. ارسطو در کتاب «سیاست» می‌گوید: بردگی و بردگان برای جامعه و رفاه طبقات بالا لازمند، و امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «ولا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قد جَعَلَكَ اللهُ حُرّاً، تو را چه به قبول بردگی، خدا تو را آزاد آفریده است.»

الحیاة کتابی جهانی

از منظر مؤلفان الحیاة، گاهی که دین اسلام و ائمه به انسان دارند یک نگاه جهانی و فراگیر است. دین اسلام برای همه‌ی زمانها و مکانها، برای همه‌ی اعصار و قرون آمده، و در میان مضامین دینی گاهی جهانی در نظر گرفته شده است. زیرا منشأ گرفته از وحی الهی و بالاترین عقول بشری است و با سیطره بر انسان و خلقت او و تمامی خصوصیات و خلقیات و روحیات بشر سخن گفته‌اند.

● رهبران راستین اسلام، بلندترین مضامین انسانی - الهی را که سرچشمه گرفته از وحی است به زبان آوردند و برای سعادت انسان آن روز، امروز و فردا بیان کرده‌اند.

رهبران راستین اسلام، بلندترین مضامین انسانی - الهی را که سرچشمه گرفته از وحی است به زبان آوردند و برای سعادت انسان آن روز، امروز و فردا بیان کرده‌اند. استاد حکیمی با این نگاه به سراغ آیات و روایات رفته‌اند و الحیاة را حیات بخشیده‌اند. ایشان

می فرمایند :

ما در الحیة که می خواهیم آیات و روایات را عرضه کنیم ، بالاترین عقول بشری از متفکران عالم را در نظر گرفتیم ، از این رو - به نظر خودمان - الحیة را یک کتاب جهانی تلقی می کنیم . برای این که هر متفکری با مضامین آیات و روایات این کتاب آشنا شود ، در برابر آن خاضع می شود . نمونه ی آن در سال های اول پیروزی انقلاب هیأتی از ایران برای شرکت در سمینار حقوقی به مالزی رفتند که ریاست آن را ، حقوقدان برجسته و سالخورده ای از بلژیک به عهده داشت ، وقتی سخنرانی از ایران سخنانش را تمام کرد ، روز آخر رئیس سمینار آمد و گفت آن جمله ای که از صادق نقل کردید چه بود و صادق کیست ؟ ، می خواهم آن جمله را ببرم بلژیک و ترجمه کنم و با خط خوش بدهم بنویسند و در تالار بزرگ قضایی بلژیک نصب کنم .

از این رو است که از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است که فرمود :
 رَحِمَ اللّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا . فَقُلْتُ لَهُ : وَ كَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ ؟ قَالَ : يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيَعْلَمُهَا النَّاسُ . فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عِلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبْعُونَا .^{۱۷}
 استاد حکیمی در توضیح این حدیث می فرماید :

«محاسن» ، در عربی ، جمع ، «خسن» است ، و مفهوم تقسیم ندارد ، یعنی اگر مردم بدانند ما چه حرف های خوبی داریم ، زور و شمشیر نمی خواهد ، خودشان دنبال ما می آیند .

و الحیة ، به دنبال زنده کردن و حیات بخشیدن معارف الهی ، برخاسته ، و به گونه ای ابتکاری و بدیع ، معارف دین را عرضه کرده و محاسن کلام ائمه را باز گشوده ، و به جهانیان عرضه داشته است .

● ما در الحیة که می خواهیم آیات و روایات را عرضه کنیم ،

بالاترین عقول بشری از متفکران عالم را در نظر گرفتیم ، از این رو - به نظر خودمان - الحیة را یک کتاب جهانی تلقی می کنیم . برای این که هر متفکری با مضامین آیات و روایات این کتاب آشنا شود .



ابتکارات الحیاة

علاوه بر آنچه تاکنون درباره‌ی محتوای الحیاة گفته شد، که بسیاری از آنها منحصر به فرد و قبل از الحیاة و حتی بعد از آن کسی بدین گونه به معارف دین نپرداخته و زوایای ناگشوده آنها را نگشوده است، یکی دیگر از ابتکارات الحیاة جمع بندی‌های آخر برخی از فصل‌هاست که علاوه بر «نظرة الی الباب»، (نگاهی به سراسر باب)، با عنوان «الفات نظر» و در فارسی «بنگرید»، آمده است.

استاد می‌فرمایند:

تاکنون سابقه‌ی اینگونه جمع بندی و اینگونه تیتراژ گذاری نداشتیم، و این ابتکاری است در تألیفات مذهبی، با عنوان: نظرة الی الباب و الفات نظر و...، البته اینها کار ما نیست و امید است که از سائق توفیق باشد.

و هر جا که در فصل مطلبی بوده که طولانی تر می‌شده، مجموع را در آخر باب، زیر عنوان یاد شده آوردیم. و هر چه کوتاه‌تر و توضیح مانند بوده، در همان متن خلاصه‌ای آوردیم. بعنوان «بنگرید».

در این مطالب انتهای فصل که گاهی صفحاتی را به خود اختصاص داده است، مطالب بسیار سودمندی را استاد حکیمی یادآور شده‌اند که بر مبانی اندیشه‌ای استاد استوار است، و در واقع خلاصه و جان کلام در آنها تبیین شده است. و به قول خود استاد:

هرگاه سخن - به طور خالص و منزله از التقاط - از قرآن و تعالیم معصوم گفته شود، بطبع از موضع جبریلی و عرشی خواهد بود، چرا که معتقدیم اگر پیامبر شخصاً نزد خداوند آن محبوبیتی که باید نداشت، ما نه قرآن داشتیم، نه علی داشتیم، نه فاطمه داشتیم و نه هیچ. این محبوبیت پیامبر نزد خداوند و قرب حضرت و استعداد قلب محمدی بود که توانست قرآن نازل شود. در حالی که می‌بینید یک تجلی به موسی شد، حضرت موسی طاقت نیاورد. از آن طرف هر آیه‌ی قرآن یک تجلی است. بلکه هر کلمه و هر حرفش تجلی است، که پیامبر را منقلب می‌کرد و رنگ حضرت سرخ می‌شد. اما قدرت تلقی در حد کمال بود.

اینها را می‌گوییم که مؤلفان کتب مذهبی فکری بکنند و بروند سراغ مآخذ اصلی و بدانند که طرف خداست، امام معصوم است. و این نوع کارها به لحاظ منسوب بودن به خدا و پیامبر و ائمه باید با دقت و توجه زیادتری تدوین گردد.

سیری گذرا

با نگاهی به مجموعه‌ی دائرةالمعارف شش جلدی الحیة، از این منظر که مؤلفان الحیة علاوه بر جمع‌آوری هدفمند آیات و روایات و نشان دادن خط فکری و اصول بنیادی اسلام و معارف آفتابگون آن - چنان که بیشتر یادآور شدیم - در انتهای فصل‌های مختلف، نکات بسیار مفیدی را بازگو کرده‌اند که حکایت از خط فکری حاکم بر الحیة دارد، و گاه شناخت برخی ابواب، بدون توجه به آنها تقریباً ناممکن می‌نماید. و این همه، جدای از مقدمه‌ی دراز دامن ابتدای جلد اول، (با عنوان سرآغاز ترجمه‌ی فارسی)، و مقدمه‌ی پرنکته متن عربی (ج اول) و مقدمه‌ی بسیار جهت‌دهنده‌ی متن عربی در جلد سوم که به فارسی هم آمده است، می‌باشد، و علاوه بر پنجاه تنبیه روشنی‌آفرین و بیان‌کننده‌ی خطوط معارف محمدی و علوی است.

اینک در خاتمه‌ی این مقال سیری گذرا از این منظر خواهیم داشت. سرآغاز ترجمه‌ی فارسی، صص ۱۵-۳۶ شامل تعریف، محتوی، انگاره و شمول، دین و ذهنیتها، مرزبانی، تکلیف بزرگ، نتایج، جریان‌های کتاب، ترجمه‌ی حاضر و نکته‌هایی چند...، که در ذیل هر عنوان، نکات سودمندی را یادآور شده‌اند.

مقدمه، صص ۳۹-۵۵ در این مقدمه پس از بیان مطالبی، آورده‌اند: در این چند سطر که به عنوان دیباچه به خوانندگان تقدیم می‌شود، برای ما امکان آن نیست که از این خلاصه‌نویسی تجاوز کنیم، چیزی که هست همین اشاره ممکن است خرده‌ها و اندیشه‌ها را برانگیزد، تا با عزمی جزم به بازشناسی عملی این آموزشها به صورتی که در زیر مجسم می‌کنیم پردازند. (ص ۴۵).

و در ادامه به نکاتی چند از جمله: شناخت مکتب دین، شناخت نظام‌های ستمگر و شناخت نظام‌های اندیشه‌ای اشاره می‌کنند، تا آنجا که مسائل ضروری دیگری را در بیست بند به تفصیل یادآور می‌شوند، که مطالعه‌ی این مقدمه و آن سرآغاز در فهم اندیشه‌ی حاکم بر کتاب و فهم مجموعه‌ی الحیة بسیار سودمند است و راه‌گشا.

باب اول: الحیة در پی این مقدمه‌ی بلند با عنوان «شناخت و اصالت آن» آغاز می‌شود و در پنجاه فصل اصلی و سی فصل فرعی سامان می‌یابد.

در انتهای این باب، نخستین «نگاهی به سراسر باب» چهره می‌گشاید، و این بعد از برخی تذکرات از جمله «هشدار مهم» است، که درباره‌ی «تعقل قرآنی» (ص ۲۳۳ و



۲۳۴) یادآور شده اند.

نگاهی به سراسر باب، صص ۳۴۱-۳۸۱، در این چهل صفحه بعد از توضیحی درباره‌ی این عنوان که در پایان هر باب آمده، و اشاره‌ای در این باره که: آنچه در فصل‌ها و باب‌های کتاب آمده است، نظر علمی اسلام را درباره‌ی انسان و جهان منعکس می‌کند و...، و سی نکته مربوط به باب اول را تحت عناوین ذیل یادآور می‌شوند:

۱. شناخت، اهمیت و اصالت آن؛ ۲. طلب علم؛ ۳. فعال سازی عقل و اهمیت به کار بستن آن؛ ۴. اندیشیدن و اهمیت آن؛ ۵. رهنمونی به خود یادآوری؛ ۶. ناآگاهی و نادانی؛ ۷. فهم و دریافت دین؛ ۸. لزوم همگانی شدن شناخت؛ ۹. بینشها و دانش‌های سودمند؛ ۱۰. محدودیت شناخت‌های انسانی؛ ۱۱. شناخت، چگونگی و درجات آن؛ ۱۲. روش به دست آوردن شناخت و علم؛ ۱۳. سرچشمه‌ی درست شناخت؛ ۱۴. شناخت و ریشه‌های عاطفی آن؛ ۱۵. شناخت و مراحل آن و اوج گاههای آن؛ ۱۶. شناخت تکامل یافته و نمودارهای آن؛ ۱۷. شناخت تجربی؛ ۱۸. پیوستگی شناخت و ایمان؛ ۱۹. پیوستگی شناخت و عمل؛ ۲۰. ارزیابی عمل با شناخت؛ ۲۱. راهها و روش‌های نشر اندیشه و شناخت؛ ۲۲. شناخت نفس (خودشناسی)؛ ۲۳. شناخت خدا (خدا شناسی)؛ ۲۴. شناخت بلا و گرفتاری و تأثیر آن در تکامل انسان؛ ۲۵. شناخت زمان؛ ۲۶. شناخت قوانین تاریخ و نتایج این شناخت؛ ۲۷. شناخت نقطه‌ی شروع؛ ۲۸. آماده سازی افکار برای مراحل شناخت؛ ۲۹. آزاد اندیشی و نظر خواهی؛ ۳۰. موانع شناخت و از میان بردن آنها.

باب دوم: عقیده و ایمان، که در پنج فصل سامان یافته است و در خاتمه از ص ۴۴۸ تا ۴۵۸ با عنوان نگاهی به سراسر باب، هشت نکته را یادآور شده اند:

۱. ایمان عقیده است و عمل؛ ۲. عقیده‌ی توحید؛ ۳. نقش ایمان در جهت گیری اجتماعی؛ ۴. ایمان به حکومت خدا و طرد طاغوت؛ ۵. همکاری تکاملی فرد و اجتماع؛ ۶. موجودیت اجتماعی مؤمن؛ ۷. موضع بانی دینی و پرورش اجتماعی؛ ۸. حج و اثر آن در تکامل اجتماعی.

باب سوم: عمل، دارای بیست و هفت فصل می‌باشد و در پایان از ص ۵۸۹ تا ۵۹۵، نگاهی به سراسر باب آمده و در آن پانزده نکته بیان شده است:

۱. اصالت و اهمیت عمل؛ ۲. عمل کیفیت است نه کمیت؛ ۳. راه میانگین (مراعات

حد وسط در کارها)؛ ۴. اقدام ترس را از میان می برد؛ ۵. خالص سازی عمل؛ ۶. مداومت دادن به عمل؛ ۷. عمل و کار، نه آرزو و پندار؛ ۸. عمل، راه شناخت؛ ۹. تبلیغ کرداری؛ ۱۰. انسان در گرو اعمال خویش است؛ ۱۱. عمل، مقیاس است؛ ۱۲. برخی از انگیزه های عمل؛ ۱۳. تدبیر در مقدمات و ارزیابی نتایج؛ ۱۴. بهره گیری درست از نیروها و توان های انسانی؛ ۱۵. پیدا کردن راه کار.

باب چهارم: امتیازهای جهان بینی الهی با بیست و دو فصل. در این باب علاوه بر نگاهی به سراسر باب که در آخر باب آمده، در چند جای آن به مناسبت، نکات بلندی را با عنوان «بنگرید» یادآور شده اند. و در نگاهی به سراسر باب (صص ۷۶۳-۷۷۴)، پانزده نکته را تبیین کرده اند:

۱. آرامش روحی و سیراب کردن عطش وجدانی؛ ۲. همبستگی انسان و جهان؛ ۳. هدفداری جهان و انسان؛ ۴. نگرش مثبت نه منفی؛ ۵. دستور دینی و تأثیر ژرف آن؛ ۶. منشأ الهی حقوق؛ ۷. پیوندهای ریشه ای میان انسان و قانون؛ ۸. از بین بردن سلطه ها (حاکمیت های باطل و ظالم)؛ ۹. انسان، ماده و معنی؛ ۱۰. نیرومندی، عزت و پایداری؛ ۱۱. هماهنگی با کاینات در پذیرش قدرت الهی؛ ۱۲. انضباط در کارها؛ ۱۳. رهایی از نومیدی؛ ۱۴. راه بازگشت؛ ۱۵. اعتماد به جهان دیگر و نقش آن در تعالی آدمی.

بدینسان جلد اول، با یادآوری سه صفحه ای به پایان می رسد.

باب پنجم: اصول کلی رسالت پیامبران، با چهارده فصل و چند تذکر مهم با عنوان «بنگرید». نگاهی به سراسر باب (صص ۹۶-۹۹) با هشت عنوان:

۱. برپایی قسط و دادگری در میان مردم؛ ۲. عدالت اجتماعی؛ ۳. رهانیدن و آزاد کردن انسان؛ ۴. استواری در راه هدف؛ ۵. سازندگی معنوی و معیشتی؛ ۶. برابری و برادری میان افراد انسان؛ ۷. خاستگاه اجتماعی پیامبران؛ ۸. هموار کردن راه های اصلاح.

باب ششم: قرآن، با پنجاه فصل درباره ی قرآن و معارف و جایگاه آن و تکمله و توضیحی (صص ۲۶۴-۲۷۵) درباره ی تأویل و تفسیر به رأی و در خاتمه «نگاهی به سراسر باب» صص ۲۹۶-۲۹۸.

باب هفتم: رهبران راستین و برخی از ویژگی های ایشان در پانزده فصل و یادکرد نکاتی

سودمند در «بنگرید» ها، و در فصل پانزدهم با عنوان «نمونه های عالی» ده خصلت مهم و شاخص را برای رهبران راستین یادآور می شوند و در نگاهی به سراسر باب در دو صفحه (۴۲۱-۴۲۲) توضیحاتی درباره ی برخی ویژگی ها با سه عنوان ذیل یاد می کنند:

۱. در راه انسان و سعادت او؛ ۲. زندگی ساده؛ ۳. حقوق مردم و پایداری برای تثبیت و نگاهداری آنها.

باب هشتم: عالمان، که در چهارده فصل تدوین یافته است، همراه با هشدار، فایده، توضیح و ملاحظات بسیار دقیق و عالمانه و سودمند. نگاه دردمندانه و آشنای استاد به وضع حوزه ها و عالمان، بر حساسیت این فصل افزوده است. و در «نگاهی به سراسر باب» در ۴۳ صفحه، که نشان از توجه بالا و دقیق استاد دارد در ذیل ده عنوان و یک یادآوری همراه با روایاتی، این موضوعات را عرضه داشته اند:

۱. مرجعیت، اساس و مسئولیت های آن؛ ۲. مرجعیت و شایستگی های لازم برای آن؛ ۳. مرجعیت و منافیات آن؛ ۴. فقیه کیست؟ ۵. حکمت بزرگداشت اسلام نسبت به علما و رجوع دادن امت به آنان؛ ۶. بعضی از آنان نه همه ی ایشان؛ ۷. تصدّی مناصب دینی توسط اشخاص نالایق و بعضی از محذورات آن؛ ۸. تکلیف دینی به هنگام تصدّی شخص نالایق؛ ۹. زعامت؛ ۱۰. ولایت فقیه یا حکومت اسلامی و شرایط آن.

باید یادآور شد که نگاشتن فصل مربوط به علمای سوء و علمای فاسد - که برطبق آیات و روایات تنظیم شده است - در این روزگار اهمیت بسیار داشته و دارد، تا مردم، هرکسی را عالم دینی و ربّانی ندانند، و صدها عملکرد خلاف را به حساب دین نگذارد، و دنیا داریها را دینداری نپندارند....

باب نهم: ولایت و حکومت (فلسفه ی سیاسی)، در ۱۴ فصل و با یادآوری نکاتی در برخی از فصل ها سامان یافته است. در نگاهی به سراسر باب (صص ۶۷۴-۶۸۲) مطالبی درباره ی ولایت و امامت یادآور شده اند و «تنبیهی» تبه آفرین درباره ی مسأله ی «زعامت دینی» آورده اند. به این «تنبیه» باید بصورتی کاملاً جدّی توجه شود.

باب دهم: حاکم اسلامی، تکالیف و مسئولیت های او، با شش فصل و نگاهی به سراسر باب در سه صفحه و بیان پانزده واجب که حاکم موظف به انجام آنهاست.

استاد حکیمی جلد سوم الحیة را چنین آغاز می کنند:

به: سید موسی زرآبادی قزوینی (م ۱۳۵۳ ق)، میرزا مهدی اصفهانی (خراسانی) (م

۱۳۶۵ ق)؛ شیخ علی اکبر الهیان رامسری تنکابنی (م ۱۳۸۰ ق)، شیخ مجتبی قزوینی خراسانی (م ۱۳۸۶ ق).

و در صفحه بعد آورده اند:

چنان در خور دیدیم که این چهار جلد (جلد سوم تا ششم) را، به چهار تن از عالمان بزرگ قرآنی - در سده ی چهاردهم اسلامی - تقدیم بداریم...
 عالمان بزرگ ربّانی، و متألّهان سترگ قرآنی، و سرّ سازان معارف و حیانی، و پیرایندگان بنیادهای «تعقل قرآنی»، با تأکید بر مبانی «مکتب تفکیک» (مکتب جداسازی حقایق آسمانی، از مفاهیم و اصطلاحات یونانی و اسکندرانی و هندی و گنوسی و...)، در فهم حقایق شناختی و اعتقادی... بزرگانی که در راه «جهان شناسی خالص قرآنی» و استوار سازی آن در اذهان و اندیشه ها کوشیدند، و سختی ها را شجاعانه و با شکیبایی و پیگیری برتافتند.
 و این متعقلان ژرفکاو، و مربیان تأثیر آفرین - با واسطه و بیواسطه - در رویکرد مؤلفان به جستن هدایت و شناخت و علم، از دو سرچشمه ی الهی و یگانه و بی خدشه ی آنها (قرآن و احادیث)، تأثیری بزرگ داشته اند، از این رو آنان را با کتاب «الحیة» پیوندی است...

و ما از درگاه خداوند متعال مسئلت می کنیم که کسانی را که بر ما حقّ دارند، یا درباره ی ما - در همه ی زندگی -

نیکی کرده اند، همه را همواره مشمول احسان بیکران خویش بگرداند... ۱۸

بدینسان جلد سوم الحیاة با سرآغازی نسبتاً طولانی (صص ۲۰-۶۳) آغاز می شود و در آن سی نکته ی لازم را درباره ی جلدهای بعدی یادآور می شوند که همه درباره ی مسائل اقتصادی و آنچه پیرامون آنست دور می زند. و بعد از چند دعا چنین به پایان می رسد:

● **و سلام بر آن کس که تنها به خاطر حق به خدمت حق برمی خیزد، و برای برپا داشتن قسط و عدل می کوشد.**

و سلام بر آن کس که تنها به خاطر حق به خدمت حق برمی خیزد، و برای برپا داشتن قسط و عدل می کوشد. ۱۹



باب یازدهم: مدخلی بر تحقیق در اقتصاد اسلامی (خطوط کلی)، در پنجاه فصل فخیم و دراز دامن به سامان رسیده، چنان که تنها این باب شامل دو جلد کامل الحیة (۴ و ۳) و نیمی از جلد پنجم است. جلد سوم ۵۸۰ ص، جلد چهارم ۶۷۵ ص و از جلد پنجم نیز ۳۷۸ ص.

استاد ارجمند در این چهار جلد به لحاظ نشان دادن تعالیم زنده و پرمایه‌ی انقلابی اسلام و قسط و عدل قرآنی، تقریباً در هر فصل، با «نگاهی به سراسر فصل»، به بازگشایی حقایق ژرف و عمیق اقتصادی و مالی اسلام پرداخته‌اند. این همه علاوه بر توضیحاتی است که در درون فصل‌ها با عنوان «بنگرید» آمده است.

در اولین فصل از باب یازدهم، و در نخستین «نگاهی به سراسر فصل» آورده‌اند:

۱. چارچوب کلی: از آیات و احادیث رسیده درباره‌ی اموال و آنچه به آنها ارتباط پیدا می‌کند - و بسیاری از آنها در جای جای این دو باب [باب ۱۱ و ۱۲] از کتاب «الحیة» از نظر تان می‌گذرد - این موضوع‌ها به روشنی به دست می‌آید:

- (۱) - ایستار کلی اسلام نسبت به اموال و هدف‌های کسب مال.
 - (۲) - جهت‌گیری‌های اصلی و اساسی اسلام در سیاست‌های مالی و اقتصادی.
 - (۳) - راه صحیح گردش اموال میان مردم.
 - (۴) - نقش مهم تقسیم و توزیع مال، و تعدیل مالکیت و مصرف.
 - (۵) - نقش محوری انفاق در سیاست اقتصادی اسلام و نظام مالی معین آن.
- پس آیات و احادیث فراوان - همه تأییدکننده‌ی یکدیگر - و بهم پیوسته، با مضمونها و راهنمایی‌هایی گوناگون، که درباره‌ی مسائل مالی و موضوع‌های اقتصادی آمده است، چارچوب اصلی و قلمرو کلی مال و حرکت آن را در اجتماع اسلامی نشان داده است. ۲۰

سیر اندیشه‌ای و فکری «الحیة» با تأمل خاص همچنان ادامه دارد و در تمامی فصول این چهار جلد به خوبی دنبال می‌شود. چنان که در برخی از «نگاهی به سراسر فصل»‌ها، عناوینی همچون: آگاهی و هشدار، آگاهی مهم، شرح، نتیجه‌گیری مهم، اشاره و آگاهی، توضیح، تزییل، روشنگری، یادآوری، یادآوری مهم، اشاره، تزییل و تفصیل، آگاهی و تفاوت، آثار، اهداف، تزییلی مهم، فایده، تجزیه و تحلیل، موضوعی بنیادین، دفع توهم، بحثی دیگر، متمیم، اصول اساسی، بیدار باشی مهم، اخطار، هشدار،

و...، به چشم می خورد و تمامی اینها حکایت از نکته هایی خاص و تأمل برانگیز دارد، و با عنایت ویژه ای که جز در استاد حکیمی کم تر به چشم می خورد انتخاب شده اند. حتی تفاوتی که در انتخاب هر یک از این عناوین وجود دارد بازگوکننده ی هدفی یا اهدافی خاص می باشد. و بدین ترتیب در این دو باب علاوه بر آیات و روایات فراوانی که در موضوع اقتصاد و قسط و عدل قرآنی آورده شده، بیش از نیمی از مطالب توسط خود استاد و همکارانشان با عنایت و توجه به هر فصل نگاشته شده است، که جای دارد خود این مجموعه که بسیار گرانسنگ است و از جنبه های راهبردی بالایی برخوردار است به صورت جداگانه چاپ و منتشر گردد.

باب دوازدهم: و اما آخرین باب دائرة المعارف «الحیة»، با عنوان «مدخلی بر تحقیق در اقتصاد اسلامی» (اصول کلی)، در پنجاه فصل، همه ی جلد ششم و نیمی از جلد پنجم را به خود اختصاص داده است. جلد پنجم از ص ۳۸۰ تا ۷۲۲ و جلد ششم در ۷۸۰ ص.

در این باب نیز همچون باب یازدهم به مسائل اقتصادی پرداخته شده، با این تفاوت که در آن باب «خطوط کلی» و در این باب، «اصول کلی» اقتصاد با همان نگرش و طول و تفصیل های باز گفته، تبیین شده است.

جلد ششم الحیة، با «نگاهی به سراسر فصل»، مربوط به فصل پنجاه از باب دوازدهم، از ص ۶۸۷ تا ۷۵۷ و پس از آن «خاتمه»، و در پی آن یادآوری ها به پایان رسیده است. آنچه در انتهای کتاب جلب توجه می کند پنجاه تنبیهی است که قبلاً به آن اشارت رفت، و اکنون در خاتمه ی این مقال، یادکرد عناوین آن تنبیه ها، که نشانگر عمق ژرف نگری و مبنای تفکرات اقتصادی مؤلفان است، سودمند و روشنی آفرین خواهد بود:

جامعه ی تکاثری / جامعه ی جاهلیت / جامعه ی اسلامی جامعه ی عدالت و قسط / مشکل اقتصاد و اهمیت حیاتی حل آن / مال و طبیعت اجتماعی آن در نظر اسلام / ظلم مالی و مفاسد ویرانگر عمومی / جور و زیان تکاثر برای روح آدمی / قدرت (دیکتاتوری) اقتصادی و زیان های آن / تبدیل حساسیت جامعه / تحریف شعور اجتماعی / متکاثران و فساد ایشان در زمین / مراقبت بر بازارها و نقش حیاتی آن در اجرای عدالت و حمایت از مستضعفان / شناخت طاغوت اقتصادی / اصلی بزرگ / تطهیر اقتصادی / مبارزه ای بنیادین بر ضد فساد و الحاد / مستی بر دین و اهل دین، نه / شکوفایی اقتصادی و برانگیختن به

آن / مؤسسات دینی و هزینه‌ای اداره‌ی آنها / علما و قطع ارتباط / حرام بودن ذاتی مال فراوان / یگانه مقیاس برای شناختن عالم اسلامی / عدالت در تقسیم نعمتها و نیازها / تعدیل در مالکیت و برابری در مصرف / مردمان بر اموال خود تسلط دارند / دو جامعه : فرعونی و قارونی / صلاح و فساد دو گروه / دعوت‌های سه‌گانه‌ی پیامبران و ملازمه‌ی آنها با یکدیگر / حاکمیت مستضعفان و محرومان / بی‌نیاز کردن فقیران / با حفظ کرامت ایشان / از صدمات هولناک اقتصاد تکاثری / دو مکتب اقتصادی : اسلامی و سرمایه‌داری / سخنان فریبنده و زیان آنها (۱) و (۲) / چرخش متوازن مال و امکانات و اثر مثبت آن / عدالت و جامعه‌سازی اسلامی / دفاع تو خالی از مستضعفان و زیان‌های بزرگ آن / حمایت از مالکیت‌های تکاثری / مخالف با فریاد قرآن کریم / قرآن به زندگی فرامی‌خواند و فقر مرگ است / اسلام مردمان را به خیر دنیا و آخرت فراخوانده است و فقر شر است / فقر فقیران ، نتیجه‌ای از گناهان ثروتمندان / نقطه‌ی اصلی ، در ساخته شدن جامعه‌ی اسلامی / جامعه‌ی اسلامی و سیادت (دیکتاتوری) مال / اتراف و ویرانی / ظلم اقتصادی و معیشتی و ویرانی / تکاثر و وابستگی / متکاثران ، دشمنان پیامبران و عدالتخواهان / وظیفه‌ی علما در برابر فقر و استضعاف / روابط اقتصادی مردم جز با انقلابی دگرگون‌ساز تطهیر نمی‌شود / فقاقت آگاهانه / آمیختن قضایای اصل با قضایای غیر اصلی و زیان‌های آن به دین و انقلاب و توده‌ها / توهمی نادرست / تحقق بخشی به احکام اسلام و زندگی توده‌ها / عمل کردن همه‌ی قشرهای جامعه به احکام اسلام ، جز با اجرای عدالت شدنی نیست .

در پایان باید اشاره کنیم ، که مآخذ الحیاة ، بجز «قرآن کریم» ، کتب فراوانی از احادیث شیعه ، مانند کتب اربعه ، تحف العقول ، وسائل الشیعه ، وافی ، و ... از کتاب بحار الانوار نیز هر جا نقل شده - اغلب - مآخذ علامه مجلسی ذکر شده است .

در پایان - همچنین - باید یاد کنیم که هدف جلد سوم تا ششم «الحیاة» ، بیان «مکتب اقتصادی اسلام» است ، که بدون شناخت آن نمی‌توان اقتصاد جامعه را اسلامی کرد .

۱ . حکیمی ، محمد رضا ، محمد و علی ، الحیاة ، مترجم ، ۱/۱۷ ، تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، چاپ دوم / ۱۳۷۶ .

۲ . همان / ۳۹۱ ، به نقل از : غرر الحکم / ۵۵ .

۳ . آنچه در این مجموعه از زبان استاد نقل می‌شود ، گفت‌گوهایی است که در سال ۱۳۸۰ ، بنیان بینات با ایشان داشته‌اند

که نوار و پیاده شده‌ی متن آن در دفتر مجله موجود است .

- ۴ . الحیاة ، ۲/۴۲۱ .
- ۵ . همان/۴۲۱-۴۲۲ .
- ۶ . همان/۴۲۲ .
- ۷ . همان/۵۸۷ ، به نقل از: تهذیب ، ۶/۳۱۹ .
- ۸ . همان ، ۶/۶۸۹ .
- ۹ . همان ، ۶/۷۵۸ ، به نقل از: تفسیر قمی ، ۱/۲۷۱ .
- ۱۰ . همان ، ۲/۱۵۶ ، به نقل از: بحار الانوار ، ۹۸/۵ .
- ۱۱ . همان/۲۴۳ ، به نقل از: وسائل الشیعه ، ۴/۸۴۹ .
- ۱۲ . همان/۲۴۲ ، به نقل از: بحار الانوار ، ۸۵/۴۳ .
- ۱۳ . همان ، ۵/۱۸۳ ، به نقل از: مناقب ، ۲/۱۱۰ .
- ۱۴ . مستدرک الوسائل ، ۲/۳۲۲ .
- ۱۵ . کافی ، ۱/۵۴۲ .
- ۱۶ . الحیاة ، ۶/۶۰۵ ، به نقل از: غرر الحکم/۳۰ .
- ۱۷ . بحار الانوار ، ۲/۳۰ ، ح ۱۳ .
- ۱۸ . الحیاة ، ۴/۳ .
- ۱۹ . همان/۶۳ .
- ۲۰ . الحیاة ، ۳/۹۳ .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی